



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

آمال مسنگه

-ریسنده و کمونیسم ' جورج استاینز / عزت‌الله فولادوند

جورج استاینر در ۱۹۲۹ در پاریس به دنیا آمد، در ۱۹۴۰ با پدر و مادر به آمریکا مهاجرت کرد، تحصیلات عالی را در دانشگاه‌های پاریس و شیکاگو و هاروارد و آکسفورد و کیمبریج به پایان رساند، و در ۲۷ سالگی به عضویت هیأت علمی مؤسسه تحقیقات پیشرفته در دانشگاه پرینستون پذیرفته شد. در طول عمر سمت‌های علمی برجسته داشته است: استادی ادبیات انگلیسی و ادبیات تطبیقی در دانشگاه ژنو، استادی ادبیات تطبیقی در دانشگاه آکسفورد، عضویت هیأت علمی کالج چرچیل در دانشگاه کیمبریج و استادی کرسی شعر در دانشگاه هاروارد. او همچنین در مقام استاد میهمان در دانشگاه‌های نیویورک و ییل درس گفته است. از افتخاراتی که نصیب او شده است عضویت فرهنگستان هنرها و علوم آمریکا، عضویت فرهنگستان بریتانیا، نشان شوالیه لژیون دونور از فرانسه، و نشان شاه آلبر از فرهنگستان پادشاهی بلژیک شایان ذکر است. از استاینر تاکنون ۲۹ کتاب در نقد ادبی و اجتماعی، فلسفه و داستان انتشار یافته است، از جمله تولستوی و داستایفسکی، مرگ تراژدی،

* George Steiner, "The Writer and Communism", *Language and Silence* (1967).

ادبیات تطبیقی چیست؟، هایدگر و زبان و سکوت. این مقاله و مقاله
تروتسکی و تراژدی که در شماره قبل بخارا چاپ شد، از کتاب اخیر گرفته
شده است.

ع. ف.

یکی از چشمگیرترین تفاوت‌ها میان فاشیسم و کمونیسم این است که هیچ اثر بزرگ
هنری ملهم از فاشیسم نبوده است. هیچ نویسنده‌ای از بالاترین مراتب نویسندگی
(احتمالاً به استثنای موتزلان^۱ و سلین) به حوزه تأثیر فاشیسم در نیامده است. (عزرا
پاوند^۲ فاشیست نبود؛ او برای تبلیغ عقاید اقتصادی عجیب و غریب و نامتعارفی که
داشت از بعضی مناسبت‌ها و زرق و برق فاشیسم استفاده می‌کرد.) کمونیسم، بعکس،
یکی از قدرت‌های محوری در بهترین آثار جدید ادبی بوده است، و آشنایی شخصی با
کمونیسم در وجدان و فعالیت‌های ادبی بسیاری از برجسته‌ترین نویسندگان این عصر
تأثیر گذاشته است.

این تفاوت از کجاست؟ ایده نولوژی فاشیسم، بی شک، زشت‌تر و رذیل‌تر و هتاک‌تر از
آن است که رحم و احسانی را که در مخیله اساس هنر ادبی است، به وجود آورد.
کمونیسم، حتی به صورت زهرآگین، اسطوره آینده بشر و رؤیایی سرشار از امکانات
اخلاقی است. فاشیسم در نهایت قاعده حاکم بر کردار او باش آدمکش است. کمونیسم
شکست می‌خورد زیرا می‌خواهد ایده آل مصنوعی انکار نفس و هدفمندی تاریخ را بر
چندگانگی سرشت و کردار آدمیان حاکم کند. جباریت فاشیسم ناشی از تحقیر و
خوارداشت آدمی است. جباریت کمونیسم معلول تلاش آن برای بالا بردن آدمی بر فراز
خطاهای شخصی و بلندپروازی‌های شخصی و عشق شخصی به چیزی است که آن را
آزادی می‌نامیم.

تفاوتی مشخص‌تر نیز وجود دارد. هیتلر و گوبلس در بازی با زبان فریبکارانی
زیردست بودند، اما حیات فکری و معنوی را محترم نمی‌شمردند. کمونیسم، بعکس، از
لحظه تولد تاریخی خود، مرامی لبریز از حس ارزش‌های فکری و هنری بود. این حس
در مارکس و انگلس آشکار است. هر دو از ژرفای وجود روشنفکر بودند. بالاترین
بزرگداشت را لنین نثار هنر کرد هنگامی که از آن هراسید و رمید و به قدرت برتر

۱. Henry de Montherlant. نویسنده فرانسوی. (مترجم)

۲. Ezra Pound (۱۸۷۲ - ۱۸۸۵). شاعر آمریکایی. (مترجم)



● دکتر عزت‌الله فولادوند

اسرارآمیز و مسحورکننده هنرهای تجسمی و موسیقی در مقابل تعقل اذعان آورد. تروتسکی ادیبی به پرطمطراق‌ترین مفهوم آن کلمه بود. نویسندگان و آثار ادبی، حتی در حکومت استالین، در تعیین استراتژی کمونیستی نقش حیاتی داشتند. نویسندگان هدف تعقیب و آزار بودند و به قتل می‌رسیدند، زیرا تشخیص داده شده بود که ادبیات نیرویی خطیر و بالقوه خطرناک است. نقطه حساس و تعیین‌کننده همین جاست. ادبیات، ولو به شیوه‌های بی‌رحمانه و با تحریف معنای آن، مورد تکریم و تعظیم بوده زیرا استالین به آن اعتماد نداشت. موقعیت نویسنده در اتحاد شوروی بار دیگر پیچیده و مشکل شد، حتی هنگامی که شدت یخبندان فکری و هنری رو به کاستی گذاشت. در تصور نمی‌گنجد که یک دولت فاشیست صرفاً با یک کتاب به لرزه درآید. ولی دکتر ژواگو باعث بحرانی عمده در زندگی روشنفکران روسیه کمونیست شد.

نویسندگان، خواه به طور غریزی و خواه در نتیجه تفکر و تأمل، همواره از موقعیت خاص خود در ایده‌نولوژی کمونیسم آگاه بوده‌اند. کمونیسم را جدی گرفته‌اند، زیرا کمونیسم ایشان را جدی گرفته است. بنابراین، هر تاریخی درباره رابطه کمونیسم و ادبیات جدید، از پاره‌ای جهات، تاریخ هر دو آنهاست.

آقای یورگن روله^۱ یکی از چندین نویسنده و روشنفکری است که نخست مسحور جادوی کمونیسم بوده و سپس از واقعیت استالینیستی گسسته است. از هنگام پناهندگی به آلمان غربی، در مقام مورخی صاحب نظر و ناظر صحنه ادبیات و تئاتر کمونیستی شهرتی استوار به دست آورده است. در کتاب ادبیات و انقلاب^۲ هدف او نگارش تاریخ «نویسنده و کمونیسم» در سراسر جهان از ۱۹۱۷ تا ۱۹۶۰ است. کتاب پر حجم او ادبیات روس از بلوک^۳ تا دکتر ژبوآگو را دربر می‌گیرد، به شعر پابلو نرودا و داستان‌های ارسکین کالدول می‌پردازد، و دامنه بحث را از آراء سیاسی توماس مان تا نقد لوشون^۴ می‌گستراند. ادبیات و انقلاب با داشتن جدول سالشمار و کتابنامه مفصل، هم اثری در نقد ادبی است و هم کتاب مرجع. نگاهی کوتاه به نمایه و عکس‌ها نشان می‌دهد که (به استثنای پروست و جویس و فاکنر) کمتر نویسنده بزرگی در عصر ما در یکی از مراحل زندگی و فعالیت هنری از کمونیسم تأثیر پذیرفته است.

نخستین بخش کتاب مصروف بازگویی سرنوشت ادبیات روس در دوران تسلط لنین و ژدانف و خروشچف است و حوزه‌ای آشنا ولی خطیر را دربر می‌گیرد. بار دیگر نبوغ و پایان تلخ کار بلوک و یسنین^۵ و مایاکوفسکی را از نظر می‌گذرانیم. نوشته روله درباره رمان بی‌نظم و مغفول مانده گورکی، زندگی کلیم سامگین^۶، به ویژه جالب توجه است. روله با دلایل قانع‌کننده نشان می‌دهد که گورکی نتوانست آن داستان را به پایان ببرد، زیرا دیده بود که تعارض میان زندگی فردی و تشکیلات حزب کمونیست بسیاری از نویسندگان شوروی را یا به سکوت یا به چنگال مرگ خواهد راند. روله سپس با تیزی به جنگ داخلی و ایزاک بابل^۷ و شولوخف می‌پردازد و نشان می‌دهد که شولوخف همواره نویسنده‌ای کهنه‌پرست و ضدروشنفکر و درگیر تعصبات محلی بوده که نتوانسته است در آن واحد هم سخن از زبان ناسیونالیست‌ها و هم استالینیست‌ها بگوید. روله

1. Jürgen Rühle

2. Literatur und Revolution

۳. Alexander Blok (۱۸۸۰ - ۱۹۲۱). شاعر روسی. (مترجم)

۴. Lu Hsun (تلفظی که در متن آورده‌ایم به زبان اصلی چینی است) نام مستعار چو شوچن (Chou Shu-Jen) (۱۸۸۱ - ۱۹۳۶). نویسنده چینی که بسیار مورد ستایش کمونیست‌های چین بود ولی هرگز به حزب کمونیست

نیوست. (مترجم)

۵. Sergey Aleksandrovich Yessenin (۱۸۹۵ - ۱۹۲۵). شاعر روس. (مترجم)

6. Life of Klim Samgin

۷. Isaac Babel (۱۸۹۴ - ۱۹۴۱). نویسنده روس که چندی موزد توجه کمونیست‌ها بود ولی در ۱۹۳۷ در زمان

استالین به سبیری تبعید شد. (مترجم)



● جورج استاینر

همچنین گزارشی خردپسند از طفره‌ها و شهادت‌های گهگاهی و بیجا بیچ ایرنیوگ^۱ و بقای او در دوره یخبندان [استالینی] و زنده ماندنش در زمان آب شدن یخ‌ها [در ایام خروشچف] می‌دهد. و البته در سراسر این حکایت ازدحام پدیدآورندگان و آثار، همواره نقشمایه تبعید و اعدام و خودکشی تکرار می‌شود.

سرانجام روله می‌رسد به پاسترناک. او پاسترناک را صدای راستین روسیه و ترسیم‌کننده آینده‌ای می‌بیند که عاقبت بر آن استبداد و ستمگری چیره خواهد شد. روله با ادمند ویلسن همداستان است که لارا و دکتر ژواگو [در رمان دکتر ژواگو] اعتقاد ایده‌نولوژی کمونیسم به جبر تاریخ را به چالشی فرامی‌خوانند که مؤمنان به آن مسلک پاسخی در برابر آن ندارند. صرف این واقعیت که پاسترناک توانست با ماندن در اتحاد شوروی چنین عشق پرشور و شورشگری به تصور درآورد، خود ثابت می‌کند که حتی در زیر فشار یخ انضباط حزبی باز هم روح روسیه زنده است. پاسترناک از نخستین خوانندگان شعری بود که یسه‌نین با خون خود برای وداع نوشته بود. او یادداشت خودکشی مایاکوفسکی را نیز دیده بود. سپس او در دکتر ژواگو دادخواستی علیه اتحاد شوروی به اتهام نادیده گرفتن زندگی فردی مردم به نگارش درآورد که دوستان شاعرش با شیوه غم‌انگیز مرگشان فقط در لفافه به آن اشاره کرده بودند.

حقیقت بزرگ نهفته در این قضیه را روله خوب بیان می‌کند. اما چون اخیراً در اتحاد شوروی نبوده است، مترجه نیست که دنیای لارا و دکتر ژواگو تا چه پایه از تخیلات و احساسات نسل جوان کنونی دور است. کسانی که از آن کتاب می‌هراسند و خواسته‌اند صدای آن را خاموش کنند، فرمانروایان کشورند که مردانی سالخورده‌اند. نمی‌دانم جوانان آیا چیزی بیش از قصه‌ای تکان‌دهنده متعلق به عالم پریان یا داستانی تاریخی دور از عصر خودشان مانند آناکارینا، در دکتر ژواگو می‌بینند؟

دومین بخش ادبیات و انقلاب به یقین ارزشمندترین بخش کتاب است که در آن، بر پایه تحقیق و استدلال درباره رابطه گره گیر کمونیسم و ادبیات آلمان بحث می‌شود. گراف نیست اگر گفته شود که از ۱۹۱۹ تاکنون شاید هیچ نویسنده سرشناس آلمانی نبوده که علناً در برابر کمونیسم اعلام موضع مثبت یا خصمانه نکرده باشد. میان تاریخ-محوری و ایده آلیسم سیستماتیک ایده نولوژی مارکسیستی از یک سو، و روح آلمانی که خاستگاه آن بوده است از سوی دیگر، خویشاوندی و قرابتی عمیق وجود دارد. روله نشان می‌دهد که راست افراطی و چپ افراطی غالباً در زمینه مشترک گرایش‌های توتالیتیر به یکدیگر می‌رسند. پیمان هیتلر و استالین، هرچند فریبکارانه و زودگذر، تمثیل‌وار از رابطه‌ای واقعی حکایت می‌کرد.

گزارش روله درباره یوهانس بیشر^۱، معروف به ارفئوس استالینیسیم، و اگن اروین کیش^۲، تواناترین روزنامه‌نگار مدافع مارکسیسم، عالی است. با قرائت ظریفی که او از آثار آنا سیگرس^۳ عرضه می‌کند، آشکار می‌سازد که چگونه آن هنرمند با پیچ و تاب‌هایی که به رمان‌های اخیرش می‌دهد، با نیمه راست‌ها و نیمه دروغ‌های «رتالیسم سوسیالیستی» به سازش می‌رسد. نقش ایده‌های مارکسیستی در رمان‌های تاریخی هاینریش مان^۴ با بحث‌های روله به خوبی روشن می‌شود. از مطالعه فصلی کاملاً مستند مشاهده می‌کنیم که اختلاف نظر هاینریش مان و توماس مان از دیالکتیکی به مراتب وسیع‌تر حکایت دارد. یعنی رویارویی ذهن و اندیشه آلمانی با کشش‌های ناسیونالیسم راست از یک سو و اترناسیونالیسم رادیکال از سوی دیگر.

در اینجا نیز مانند بخش مربوط به ادبیات شوروی، موضوعی که زندگی هنرمندان مختلف را به یکدیگر می‌پیوندد، مرگ غیرطبیعی و نابهنگام است. صدای شاعران و

1. Johannes Becher

2. Egon Erwin Kisch

3. Anna Seghers

4. Heinrich Mann (۱۸۷۱ - ۱۹۵۰). نویسنده آلمانی و برادر بزرگتر توماس مان. (مترجم)

درام‌نویسان و منتقدان آلمانی یکی پس از دیگری با تبعید یا قتل یا خودکشی خاموش می‌شود. با خواندن این گاهنامه نابودی - اسی یتسکی^۱، موزام^۲، کورنفلد^۳، تئودور وولف^۴، فریدل^۵، تولر^۶، هازن‌کلور^۷، ارنست وایس^۸، اشتفان تسوایگ^۹ - پی می‌بریم که ادبیات به‌راستی خطرناک‌ترین پیشه‌هاست.

پس از این بحث استادانه درباره ادبیات آلمان، روله در چند فصل کوتاه به سرعت به تأثیر کمونیسم در کامو و سارتر و ژید و مالرو و الوآر و سلین و آراگون، و همچنین به نویسندگان ایتالیایی - سیلونه و پاوزه و مالاپارته و موراوای و کارلو لوی - می‌پردازد؛ و بعد می‌رسد به بازی‌های پیچیده بعضی از نویسندگان آمریکایی مانند دُس پاسوس، آپتن سینکلر^{۱۰}، استاین‌بک و همینگوی با مارکسیسم و رؤیاهای کمونیسم.

دو فصل آخر را روله به دو مرتد شورشگر در اردوگاه ادبیات مارکسیستی اختصاص می‌دهد، و درباره کتاب کوستلر ظلمت در نیمروز و کتاب اُربول^{۱۱} و خاطرات ندامت‌آمیز آندره ژید و استیون اسپندر^{۱۱} بحث می‌کند، و سرانجام به ثبت واقعه شورش نویسندگان جوان لهستانی و مجار بر ضد استالینسم در ۱۹۵۶ می‌پردازد. در سرکوب‌هایی پس از آن واقعه در مجارستان، نویسنده‌ای به نام تیبور دِری^{۱۲} به جرم رهبری «یک سازمان دشمن دولت» محکوم شد. این امر شوخی تلخی بر سر زبان‌های مردم بوداپست انداخت: سؤال: «آن سازمان چه بود؟» جواب: «مردم مجارستان». در پایان این سیر و بررسی فشرده، روله یادی نیز از عده کثیری از نویسندگان در زندان‌های شوروی، اقمار شوروی و چین می‌کند، و نشان می‌دهد که اتحاد ادبیات و کمونیسم همچنان پیوندی نزدیک ولی غم‌انگیز است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Ossietzky
3. Kornfeld
5. Friedel
7. Hasenclever
9. Stefan Zweig
11. Stephen Spender

2. Müsam
4. Theodor Wolff
6. Toller
8. Ernst Weiss
10. Upton Sinclair
12. Tibor Dery